

رابینسون، کن، ۱۹۵۰م Robinson, Ken

المنت:

چگونه با یافتن علاقه‌ی قلبی خود و وقف خویش به آن هر چیز رنگ دیگری بخود می‌گیرد / کن رابینسون، به کمک لو آرونیکا؛ ترجمه رحمان رحمان‌زاده.

تهران: پیام امروز، ۱۳۹۲

۲۵۶ص؛ ۱۴/۵×۱۷/۵ س.م. ۹۷۸-۹۶۴-۵۷۰۶-۷۲-۰

قیمت:

عنوان اصلی:

The Element: how finding your passion changes everything,

2009

رابینسون با بیان علاقه‌ی قلبی خود و وقف خویش به آن هر چیز رنگ دیگری بخود می‌گیرد.

خویش را - ابداع وجود - خلاقیت در کودکان - ترک مدرسه.

آرونیکا، لو Aronica, Lou

۱۵۲/۹

۱۳۹۲ / ۶۴ / ۳۴

۳۳۶۱۱۴۰

المنت

کن رابینسون / لو آرونیکا

رحمان رحمان‌زاده

ناشر: پیام امروز

سال چاپ: ۱۳۹۳

نوبت چاپ: اول

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: پردیس دانش

قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

نشانی ناشر: تهران، خیابان لبافی‌نژاد، شماره ۲۰، طبقه اول، تلفن ۶۶۴۸۶۵۳۵

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۷۰۶-۷۲-۰

فهرست

۹	مقدمه
۱۳	فصل اول: المنت
۳۷	فصل دوم: طرحی نو دراندازید
۵۹	فصل سوم: آنسوی خیال
۸۷	فصل چهارم: حضور در خلوت
۱۰۷	فصل پنجم: از کدام قبیله‌ام؟
۱۳۱	فصل ششم: آنها چه فکر خواهند کرد
۱۵۳	فصل هفتم: آیا احساس خوشبختی می‌کنید؟
	فصل هشتم: یکی کمک کند
۱۸۵	فصل نهم: آیا دیر نیست؟
۲۰۵	فصل دهم: برای دل یا برای پول
۲۲۱	فصل یازدهم: درجه بندی
۲۳۷	مؤخره

چند سال پیش، استان جالبی شنیدم که دوست دارم همه جا تعریف کنم. در مدرسه‌ی ابتدایی معلم بزرگوار می‌بچه‌ی شش ساله درس نقاشی می‌داد. در صندلی آخر دختر کوچکی به برعکس معمول توجهی به کلاس نداشت و با جدیت به نقاشی خود مشغول بود. پس از بیست دقیقه بود که دختر بچه داشت نقاشی می‌کشید و کاملاً غرق کارش بود. معلم علاقمند می‌شود ببیند که دختر بچه چکار می‌کند. از او پرسید که چه چیزی می‌کشد؟

دختر بچه بدون این که سرش را بلند کند گفت: «صورت خدا رو می‌کشم». معلم با تعجب گفت: «مگه کسی تا حالا دیده خدا به شکلیه؟» دختر بچه پاسخ داد: «به دقیقه دیگه همه خواهند دید.»

من این حکایت را بسیار دوست دارم زیرا به ما یادآور می‌کند که بچه‌ها در تخیلاتشان خیلی جدی هستند. اغلب ما وقتی بزرگ می‌شویم این تخیلات را به نفس را از دست می‌دهیم. اگر از بچه‌های کلاس اول بپرسید: «چه کسی خدا را می‌کند خلاق است؟» همگی دست‌هایشان را بالا می‌برند. از دانشجویان سال آخر همین سوال را بپرسید. هیچ کس دستش را بالا نمی‌برد. من عمیقاً باور دارم که ما همگی با قدرتی خارق‌العاده به دنیا می‌آییم و هر چه بیشتر از عمرمان می‌گذرد بیشتر آن را از دست می‌دهیم. بر خلاف انتظار، یکی از علت‌های آن

سیستم آموزش ماست. حاصل، این‌که عده‌ی بیشماری از مردم هرگز استعدادشان شکوفا نمی‌شود و هرگز نخواهند دانست که توانایی انجام چه کارهایی را داشته‌اند.

از این حیث هرگز نخواهند توانست وجود حقیقی خود را کشف کنند. من سفرهای زیادی کرده‌ام و با مردمان مختلفی در جهان برخورد داشته‌ام. با سیستم‌های آموزشی، موسسات و سازمان‌های عام‌المنفعه کار کرده‌ام. این‌جا و آن‌جا به محصلینی برخورد کرده‌ام که دارند به آینده‌شان فکر می‌کنند و نمی‌دانند از کجا شروع کنند. پدر مادرهایی را دیده‌ام که نگران فرزندشان بوده‌اند و می‌خواستند کمک‌شان کنند ولی در عوض با هل دادن آن‌ها به مسیرهایی که فکر می‌کردند به صلاح است می‌انجامد باعث شده‌اند که از مسیر استعداد واقعی‌شان دور افتند. افرادی را دیده‌ام که می‌کوشند از توانایی‌های متفاوت کارمندان آگاه شوند تا بتوانند آن‌ها را در جای درست استفاده کنند. تعداد بی‌شماری را که حسابش از دستم در رفته دیده که نمی‌دانند در چه چیزی مستعدند و به چه چیزی به واقع شیفته، اگر کسی توانایی و هم نمی‌دانند چه چیزی می‌تواند رضایت خاطرشان را برآورد.

از سوی دیگر کسانی را دیده‌ام که عاشق کارشان هستند و در کارشان هم بسیار موفق‌اند و فکر می‌کنم که داستان این افراد می‌تواند به همه‌ی ما کمک کند تا استعداد خودمان را پیدا کنیم. در سخنرانی‌هایی که به مناسبت‌های مختلف در سرتاسر جهان داشتم به این نتیجه رسیده‌ام که ما به نیلندیم که طرز فکرمان را عوض کنیم. طرز فکرمان درباره‌ی خودمان و درباره‌ی کارهایی که داریم انجام می‌دهیم و نحوه‌ای که زندگی‌مان را می‌گذرانیم، طرز فکرمان درباره‌ی آموزش فرزندانمان و نحوه‌ی اداره‌ی سازمان‌هایمان.

این کتاب حاوی سرگذشت مردمان خلاق در رشته‌های مختلف است. بسیاری منحصراً برای این کتاب مصاحبه کرده‌اند. آن‌ها برای ما شرح می‌دهند که چگونه استعداد خود را کشف کرده‌اند و از این راه به موفقیت و زندگی ایده‌آل خود دست یافته‌اند. چیزی که برای من تکان‌دهنده بود این بود که غالباً مسیر زندگی این افراد مسیری متعارف نبوده. زندگی این افراد موفق غالباً پر از

چرخش، نقطه عطف و اتفاقات عجیب بوده است. اغلب کسانی که مورد مصاحبه قرار گرفتند اذعان دارند مصاحبه آن‌ها برای این کتاب، ایده‌ها و تجربیاتشان را طوری بر آن‌ها باز نموده که قبل تر نبوده است. لحظه‌ی تشخیص تحول استعداد، تشویق یا منع فامیل، دوست‌ها، آموزگاران، چیزی که آن‌ها را علی‌رغم همه‌ی موانع به پیش برده است.

اگرچه حکایت این افراد افسانه نیست، همه این افراد زندگی خاص، پرچالش و پیچیده‌ای داشته‌اند. سفر آن‌ها در زندگی ساده و سراسر است نبوده است. همگی سبب‌ها و موفقیت‌ها داشته‌اند. هیچکدامشان زندگی بدون نقص نداشته‌اند. همگی لحظاتی را تجربه کرده بودند که خالی از خلل بوده و نقص نداشته است. در این زندگی آن‌ها غالباً پرکشش است.

اما این کتاب برای آن‌ها نوشته نشده، بلکه برای شما نوشته شده است. هدف من نوشتن این کتاب ارائه‌ی جنبه‌ی غنی‌تری از زندگی است که متناسب با استعداد و حلاوت بیان شماست. این کتاب درباره‌ی موضوعاتی است که در زندگی ما و ادگار روزنان و اگر دان و همکاران ما دارای اهمیت اساسی است. من کلمه‌ی **المنت** را معنا گرفته‌ام که المنت نقطه‌ای است در محل تلاقی شیفتگی و مهارت. به نظر من همه ما باید المنت خودمان را پیدا کنیم. علتش هم فقط بهتر کردن زندگی مردم است، بلکه آینده‌ی جامعه‌ی ما به آن بستگی دارد.

دنیا سریع‌تر از هر موقع دیگری در تاریخ، در حال تغییر است. بهترین امید ما برای آینده، ایجاد پارادایم نوینی از ظرفیت انسانی است. ما نیازمند پاسخگویی نیاز در عرصه‌های جدید باشد. ما نیازمند تحولیم. تحول به روش جدیدی از تربیت استعدادها و نیز این‌که استعداد هرکس منحصر بفرد است. باید در عرصه فضایی ایجاد کنیم که هر انسانی تشویق شود به طور خلاقیت رشد کند. در مراکز کارگاه، ادارات عمومی باید مطمئن بشویم از این‌که هر کسی شانس پیدا کردن المنت خود را داشته باشد و بتواند کاری را که علاقه‌ی قلبی‌اش است انجام دهد. این کتاب در ستایش تنوع استعداد و علایق در انسان‌های مختلف و قدرت خارق‌العاده انسان برای رشد و بهبود است. کتابی است درباره‌ی فهم شرایطی که

استعدادی را در نطفه خفه می‌کند و یا موجب شکوفایی استعدادی می‌شود. درباره‌ی این که چگونه می‌توانیم از موقعیت فعلی خود بیشترین استفاده را ببریم و این که چگونه می‌توانیم خود را مهیا سازیم تا با آینده‌ی کاملاً نامعلوم به وجه مناسبی روبه رو شویم.

برای بهره‌گیری بهتر از توان خود و دیگران نیازمندیم هر چه سریعتر درک درستی از ظرفیت انسان به دست آوریم. نیازمندیم به المِنت خود مشغول شویم.

www.ketab.ir